

# تفویض اختیار قانونگذاری در حقوق اساسی ایران،

## کامرون و کنیا<sup>۱</sup>

ناصر علی منصوریان\*

محیا کامرانی\*\*

چکیده:

اصلی‌ترین و مهم‌ترین کارکرد قوه مقننه، وضع قانون برای نظام حقوقی است. علی‌رغم صلاحیت عام مجالس در اکثر کشورها برای قانونگذاری، در برخی از موارد، این اصل با استثنائاتی همراه بوده است. در اغلب نظام‌های حقوقی، با مفهوم تفویض قانونگذاری مواجه می‌شویم که بر اساس آن، در برخی از موارد، تصویب قانون به مرجعی غیر از قوه مقننه واگذار می‌شود. در این خصوص، در نظام حقوق اساسی ایران، به دو شکل تصویب قوانین به صورت آزمایشی و تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت مورد پذیرش قرار گرفته است. حال آنکه در نظام حقوقی دو کشور مهم سیاسی در آفریقا (یعنی کامرون و کنیا) تفویض اختیار قانونگذاری ابعاد گسترده تری دارد. در کامرون، تفویض، از نوع خارجی است و مقام مفوض‌الیه، رئیس جمهور می‌باشد. در مقایسه با نظام حقوقی ایران، که تفویض خارجی تنها یک مصداق دارد و آن هم تصویب دائمی اساسنامه هاست، در کامرون، رئیس جمهور حق دارد در زمینه‌های تخصصی مجلس وارد شود و قانونگذاری کند. در کشور کنیا تفویض اختیار با وسعت بیشتری مورد پذیرش قرار گرفته است و مقام مفوض‌الیه می‌تواند اشخاص یا نهادهای دولتی و حکومتی باشد. در این کشور تفویض اختیار با تفسیر موسّع، مورد پذیرش قرار گرفته است.

<sup>۱</sup> تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۶/۱۶ تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۱۰/۱۵

\* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

\* دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول مقاله)

**واژگان کلیدی:** قانونگذاری، تفویض اختیار، تفکیک قوا، قوانین آزمایشی، تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی.

## مقدمه

وضع قانون، وظیفه اصلی پارلمان است، بدین معنا که هر آنچه در تعریف و قلمرو قانون جای می‌گیرد، علی‌الاصول مشمول صلاحیت‌های پارلمان است. در رژیم‌های نماینده سالار و دموکراسی‌های غیر مستقیم، پارلمان مهم‌ترین رکن برای اعمال اراده عام از طریق وضع قوانین و مقررات است. اهمیت قانون در این است که نخستین مظهر اراده حاکم به منزله چارچوبی مشتمل بر قواعد و احکام و حدود و مرزهایی است که کلیه فعالیت‌های سیاسی، اداری، نظامی، انتظامی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی باید در آن قالب اعمال شوند. صلاحیت قانونگذار، صلاحیت عام و کلی است و مجالس مقتنه حق دارند در کلیه زمینه‌ها و موضوعات مربوط به دولت-کشور بحث و مذاکره و تأمل کنند و در نهایت به وضع مقررات مبادرت ورزند. اما این کلیت انکارناپذیر و این صلاحیت عام در عمل محدود به حدودی است که در رژیم‌های مختلف به آن برخورد می‌کنیم.<sup>۲</sup>

۱۲۳

نماینده مردم، وکالت در "توکیل"، یعنی امکان واگذاری سمت اعطا شده از مردم به غیر را ندارد. لذا نمی‌تواند این اختیار را به شخص یا هیأتی واگذار نماید و حتی که سیون‌های داخلی هم حق وضع قانون را ندارند. از طرف دیگر، قانونگذاری نباید به غیر مجلس واگذار شود، چرا که هم بر خلاف اصل تفکیک قواست و هم خلاف مصلحت است. اما گاه به ضرورت، آن هم در مدتی معین و آزمایشی با اجازه مجلس چنین اختیاری اعطا می‌شود که در این مورد برای دائمی شدن، تصمیم نهایی با صحن مجلس می‌باشد.<sup>۳</sup>

به هر حال، در عمل، به دلیل ماهیت اموری که قوه مجریه یا قوه مقتنه با آنها مواجه هستند، امکان تفویض اختیار قانونگذاری در اکثر نظام‌های حقوقی پذیرفته

<sup>۲</sup> قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ سی و ششم، نشر میزان، ۱۳۸۸، ص ۲۱۲

<sup>۳</sup> جهان‌بین، عبدالله، سلسله جلسات بازخوانی م‌شروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی سال ۱۳۶۸، بررسی اصل هشتماد و پنجم (موضوع تصویب اساسنامه‌های دولتی)، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳، ص ۵-۶

شده است. اوج گرفتن این امر، با پدیدار شدن دولت اداری<sup>۴</sup> در دوران جدید عجین شده است و پیش از این، به تفویض اختیار قانونگذاری، به مثابه تهدیدی اسرارآمیز نگریسته می‌شد تا یک امر مرسوم و رایج<sup>۵</sup>.

در این نوشتار برآنیم علاوه بر بررسی مفهوم و مبانی نظری تفویض اختیار قانونگذاری (فصل نخست)، واکاوی کنیم که جایگاه این نهاد در نظام حقوق اساسی ایران (فصل دوم)، کامرون (فصل سوم) و کنیا (فصل چهارم) چیست، تا از رهگذر یک مطالعه تطبیقی رویکرد بهینه را در یک نظام تقنینی احراز کنیم. چنین تحقیقی وقتی ضرورت می‌یابد که در یابیم نظام های تقنینی دنیا در پذیرش یا عدم پذیرش اساس تفویض اختیار قانونگذاری گاه انعطاف پذیر و زمانی غیر قابل انعطاف عمل می‌کند. جست و جوی راه حلی بینابین به منطق حقوقی نزدیک‌تر خواهد بود. روش تحقیقی که در این مقام به کار گرفته شده روشی کتابخانه‌ای و در بر گیرنده مقایسه تحلیلی است. کاربرد این روش زمانی جذابیت و فایده خود را نشان می‌دهد که در می‌یابیم این موضوع فاقد هرگونه پیشینه پژوهشی است و داده‌های جدیدی در عرصه تطبیق حقوقی به قضاوت گذاشته می‌شوند.

انتخاب کشورهای مورد مطالعه به عنوان مظاهر مهم دو نوع طرز تفکر حقوقی، کامرون تأثیر پذیرفته از نظام حقوقی سیاسی فرانسه و کنیا الهام گرفته از دیدگاه تقنینی انگلستان، می‌باشد. طبیعتاً ادبیات تحقیق و ساختار پژوهش حاضر برآیندی از تنوع منابع و تفاوت طرز تفکرهای سیاسی و حقوقی است.

## ۱. مفهوم تفویض اختیار قانونگذاری و مبانی نظری آن

در این فصل، نخست، مفهوم تفویض اختیار قانونگذاری به طور کلی مورد بررسی قرار می‌گیرد (۱.۱) و سپس، به مبانی نظری این مفهوم و نظریات گوناگون

<sup>۴</sup> Administrative State

<sup>۵</sup> Carolan, Eoin, "Democratic Control or 'High-Sounding Hocus-Pocus'? – A Public Choice Analysis of the Non-Delegation Doctrine", 29 Dublin University Law Journal, 2013, p 112

تفویض اختیار قانونگذاری در حقوق اساسی ایران، کامرون و کنیا  
پیرامون آن پرداخته خواهد شد (۱، ۲).

### ۱-۱. مفهوم تفویض اختیار قانونگذاری

فارغ از این که مرجع صالح قانونگذاری، چه شخصی «باید» باشد، اصل بر این است که مرجع قانونگذاری، خود، مستقیماً به وضع قانون بپردازد و این اختیار را به شخص دیگری تفویض نکند و به تعبیر اصطلاح لاتینی، «اقتدار تفویض شده، نمی‌تواند دوباره تفویض شود»<sup>۶</sup> و «مفوض‌البه نمی‌تواند کسی را به جای خود منصوب کند»<sup>۷</sup>. بسیاری از نویسندگان، صرف‌نظر از نظریه آنان درباره مرجع صالح قانونگذاری، تصریح نموده‌اند که قدرت و وضع قانون، انتقال‌ناپذیر است. برای نمونه، ژان بدن<sup>۸</sup> حاکم مطلق را دارای قدرت قانونگذاری می‌داند، قدرتی که قابل تجزیه یا انتقال نیست. در مقایسه، جان لاک<sup>۹</sup> در تأکید بر قانونگذاری مستقیم و غیرقابل تفویض ادعا می‌کند که فقط مردم، حق واگذار کردن اقتدار قانونگذاری را دارند<sup>۱۰</sup> و لذا هیأت مقتن نمی‌تواند این امر را به دیگری واگذارد<sup>۱۱</sup>؛ زیرا مردم، این حق را صرفاً به آن‌ها اعطا کرده‌اند و صرفاً آنان هستند که به عنوان صاحب اصلی حکومت

<sup>۶</sup> Delegata Potestas Non Potest Delegari.

<sup>۷</sup> Delegatus Non Potest Delegare. Bouvier's Law Dictionary, cited in: Szabo, Nicholas J., **Origins of the Non-Delegation Doctrine**, The George Washington University Law School, p 15 (available at: <http://szabo.best.vwh.net/delegation.pdf> last visited: August 10, 2015).

<sup>۸</sup> John Bodin

<sup>۹</sup> John Locke

<sup>۱۰</sup> وی می‌نویسد: «قوه قانونگذاری نمی‌تواند قدرت ایجاد قوانین را به دستگاه دیگری بسپارد، زیرا خود این قدرت، از سوی مردم به او تفویض شده است، بنابراین، کسی که این قدرت را دارد، نمی‌تواند آن را به دیگری انتقال دهد».

Locke, John, **The Second Treatise of Civil Government, in the tradition of freedom**, Edited by Milton Mayer, New York, Oceana Publications, 1957, p 244

<sup>۱۱</sup> راسخ، محمد، بنیاد نظری اصلاح نظام قانونگذاری، دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۰-۱۵۱

می‌توانند آن را به دیگری واگذار نمایند.<sup>۱۲</sup> بنابراین، عدم تفویض قانونگذاری<sup>۱۳</sup> به عنوان یکی از اصول مهم پذیرفته شده است؛ مبنی بر این که مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به مرجعی دیگر واگذار نماید.

از سوی دیگر، گفت و گوی نمایندگان در مجلس قانونگذاری و تشریفات که برای وضع و اجرای قانون ضرورت دارد، گاه، مدت‌ها ادامه می‌یابد. به همین جهت، در مواردی که لزوم تحوّل سریعی احساس می‌شود، مجالس قانونگذاری به دولت یا کمیسیون‌های خاصی اختیار می‌دهند که قواعد لازم را تدوین و به موقع اجرا گذارند و نتیجه کار خود را برای تصویب نهایی به مجلس تقدیم کنند. تصویب‌نامه‌ای را که دولت در چنین شرایطی صادر می‌کند در عرف حقوق اداری «تصویب‌نامه قانونی» می‌گویند. سبب رواج این اصطلاح، تفاوتی است که این تصویب‌نامه‌ها با سایر تصمیمات قوه مجریه دارد: وظیفه قوه اجرایی، اداره امور و حفظ نظم و تضمین اجرای قوانین است و هیچ‌گاه در شرایط عادی حق ندارد مصوبات قوه مقننه را نسخ کند یا تغییر دهد. ولی، هرگاه مجلس، اختیار وضع قانون را به آن قوه تفویض کند، دیگر پایبند و محدود به قوانین نیست و می‌تواند هر قاعده را که مصلحت می‌بیند در حدود نیابت خود وضع کند<sup>۱۴</sup>. بدین ترتیب، قوه مجریه، گاهی به طور استثنائی، بر مسند قوه مقننه می‌نشیند و به قانونگذاری می‌پردازد.

## ۱-۲. مبانی نظری تفویض اختیار قانونگذاری

<sup>۱۲</sup> Lemos, Margareth H., "The other Delegate: Judicially Administrated Statutes and the Nondelegation Doctrine", 81 **Southern California Law Review**, 2008, p 417

<sup>۱۳</sup> برای مطالعه مبسوط در خصوص اصل عدم تفویض و آموزه مربوط به آن ( Non-Delegation Doctrine) به عنوان نمونه ر.ک.: کدخدایی، عباسعلی، آقای طوق، مسلم، "تبیین مفهوم اصل عدم تفویض قانونگذاری در پرتوی اصل برتری قانون اساسی: نقدی بر رویه شورای نگهبان"، فصلنامه

پژوهش حقوق عمومی، شماره ۳۸، ۱۳۹۱: Gary Lawson, "Discretion as Delegation: The "Proper" Understanding of the Nondelegation Doctrine", 73 **George Washington Law Review**, 2005.

<sup>۱۴</sup> کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ چهل و نهم، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵، ص ۱۲۴

تفویض اختیار قانونگذاری در حقوق اساسی ایران، کامرون و کنیا

اصل عدم تفویض اختیار قانونگذاری یکی از اصول سنتی حقوق اساسی است که کم و بیش در حقوق اساسی کشورهای مختلف مورد توجه واقع شده است. طبق این اصل، مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری خود را به یک نهاد دیگر واگذار کند. این اصل که در حوزه مباحث فلسفه سیاسی، همان طور که گفته شد، نخستین بار توسط جان لاک و به عنوان یکی از محدودیت‌های چهارگانه برای قوه قانونگذاری مطرح شد. پس از آن، و به خصوص در قرن بیستم با گسترش فعالیت‌های اداری دولت در کشورهای مختلف، مباحث و مناقشات زیادی بروز و ظهور یافت. در میان این مناقشات، یکی از مسائلی که توجه نویسندگان مختلف را به خود جلب کرده است، مسئله مبانی این اصل است. منظور از مبانی، در این جا، بنیادهایی است که پایه و اساس این اصل را تشکیل می‌دهد به نحوی که اگر آن بنیاد یا پایه اصلی از میان برداشته شود، این اصل نیز ارزش و اهمیت خود را از دست خواهد داد.

۱۲۷

نویسندگان حقوق اساسی، هنجارهای مختلفی را به عنوان مبنای اصل عدم تفویض ذکر کرده‌اند<sup>۱۵</sup> از جمله قاعده عدم جواز توکیل وکیل، اصل تفکیک قوا و دموکراسی نماینده سالار. همان طور که در ادامه بحث خواهد آمد به هر کدام از این سه مبنا، انتقاداتی وارد است. در عوض، به نظر می‌رسد، مبنای اصل عدم تفویض، اصل برتری قانون اساسی است.

## ۱-۲-۱. قاعده عدم جواز توکیل وکیل

از نظر برخی از نویسندگان، نمایندگی مجلس، نوعی وکالت است و نماینده پارلمان در امور تقنینی و وظایف مربوط، وکیل مردم است. به تعبیر دیگر، مردم یا رأی‌دهندگان موکل، نماینده مجلس، وکیل و رابطه بین این دو وکالت است و آثار حقوقی وکالت به رابطه بین مردم و نمایندگان آنها نیز حاکم است. حتی نزد حقوق دانان و اندیشمندان سیاسی اروپا تا زمان انقلاب فرانسه نمایندگی همان

<sup>۱۵</sup> کدخدایی، عباسعلی و آقایی طوق، مسلم، پیشین، ص ۷۸-۷۹

وکالت تلقی گردید، ولی پس از آن و با رواج اندیشه حاکمیت ملی این تلقی جای خود را به تفاسیر دیگری داد. این قاعده به این معناست که وکیل نمی‌تواند برای انجام دادن موضوع وکالت به دیگری وکالت دهد مگر با اذن صریح یا ضمنی موکل. به نظر می‌رسد لاک به عنوان نخستین کسی که از اصل عدم تفویض قانونگذاری دفاع کرده است، دقیقاً بر این مبنا تکیه می‌کند: «قانونگذار نمی‌تواند قوه قانونگذاری را به دیگری بسپارد. زیرا قوه مزبور، توسط مردم به وی تفویض شده است و نمی‌توان آن را به دیگری سپرد».<sup>۱۶</sup>

### ۱-۲-۲. اصل تفکیک قوا

تفکیک قوا از جمله نظریات مشهوری است که در حوزه اندیشه سیاسی، مورد پردازش قرار گرفته است. ایده اولیه به مفهوم ثلاثی نمودن قدرت در دوران یونان باستان و اندیشه‌های صاحب‌نظران این دوره منتسب می‌گردد. امروزه تفکیک قوا در اندیشه مونتسکیوی<sup>۱۷</sup> فرانسوی شهرت یافته است، اگرچه تفکیک قوا را او برای اولین بار ابداع ننموده و در این حوزه وام‌دار تراوشات ذهنی جان لاک می‌باشد. به باور مونتسکیو، تأمین آزادی، نیازمند آن است که سه قدرت بزرگ دولت (به خصوص دو قوه قانونگذاری و اجرایی)، از هم جدا نگاه داشته شوند؛<sup>۱۸</sup> بنابراین اگر قدرت حکومت را بین اجزای مختلف (قوای سه‌گانه) تقسیم کنیم، به طوری که هریک، کار ویژه‌ای انجام دهند و در امور مربوط به قوای دیگر مداخله نکنند، فساد از نظر قدرت، حکومت را تهدید نمی‌کند<sup>۱۹</sup> و بنابراین، شایسته است که قدرت را این‌چنین

<sup>۱۶</sup> همان، ص ۸۰

<sup>۱۷</sup> Charle de Montesquieu

<sup>۱۸</sup> وی در کتاب معروف خود، «روح القوانین» می‌نویسد: «زمانی که قدرت‌های قانونگذاری و اجرایی در یک شخص متجمع شوند، آزادی نمی‌تواند وجود داشته باشد»

Montesquieu, cited in: Cato Handbook for PolicyMakers, **The Delegation of Legislative Powers**, Cato institute, 7<sup>th</sup> Edition, 2009, p 83

<sup>۱۹</sup> کدخدایی، عباسعلی و جواهری، محمد، «تفکیک قوا: رویای تقدیس شده»، **مجله حکومت**



تفویض اختیار قانونگذاری در حقوق اساسی ایران، کامرون و کنیا

سر شکن کرد تا علاوه بر محدود کردن قدرت، احتمال فاسد شدن حکومت نیز به حد آقل ممکن برسد.<sup>۲۰</sup>

بر این مبنای، پیروان این نظر معتقدند که در اندیشه تفکیک قوا، اصل بر تمایز قوا است و بر این اساس پیروان این نظر، اصل عدم تفویض را فرع بر تفکیک قوا می‌دانند.

### ۱-۲-۳. دموکراسی نماینده سالار

بدیع‌ترین استدلال منتسکیو، اصلاح نظریه جمهوری بود به عنوان بهترین شیوه برای تضمین این نکته که قانونگذاری، بازتاب منافع اجتماعی می‌باشد. او تصریح کرد که در دولت آزاد، هر انسانی که یک شهروند آزاد محسوب می‌شود، باید توسط خودش کنترل شود (بر خود حکومت کند)؛ بنابراین مردم باید حق قانونگذاری داشته باشند. وی دموکراسی مستقیم را به دلیل خلط قدرت مردم با آزادی آنها رد می‌کند و هوادار دموکراسی نماینده سالار است. دموکراسی نماینده سالار متضمن انتخاب شهروندانی بود که صلاحیت بیشتری داشتند و به نسبت معقولی تعداد آنها را که درگیر تجارت عمومی بودند، کاهش داد.<sup>۲۱</sup>

### ۱-۲-۴. اصل برتری قانون اساسی به عنوان مبنای اصل عدم تفویض اختیار قانونگذاری

به ضرس قاطع، صیانت از قانون اساسی اگر مهم‌ترین بخش دانش حقوق اساسی نباشد، یکی از برجسته‌ترین دستاوردهای این علم در قرن گذشته به شمار می‌رود. این نهاد دارای نقشی اساسی در حفظ سلسله مراتب هنجارها در نظام

<sup>۲۰</sup> Szabo, Nicholas J., op. cit., p 2; Iancu, Bogdan, **Legislative Delegation, the Erosion of Normative Limits in Modern Constitutionalism**, Springer Publication, 2012. P 94-100; Haibach, Georg, **Comitology after Amsterdam: A Comparative Analysis of the Delegation of Legislative Powers**, in: EPICASCOPE, 1997, p 1-2

<sup>۲۱</sup> ریچارد، بلامی، «شکل سیاسی قانون اساسی: تفکیک قوا، حقوق فردی و دموکراسی نماینده سالار» ترجمه محسن حسن‌وند، مجله حقوق اساسی، شماره ۴، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳

حقوقی هر کشور، و در رأس آن، قانون اساسی است. تاکنون بحث‌های بسیاری در خصوص چگونگی اعمال آن مطرح شده و نظام‌های حقوقی راهکارهای مختلفی را برگزیده‌اند. قانون اساسی حقوق بنیادین و ارزش‌های اساسی را اعلام می‌نماید، به طوری که برتری قانون اساسی متضمن برتری این ارزش‌ها نیز هست، همچنین قانون اساسی تجلی اراده مردم حاکم است، به طوری که در این صورت نظارت به صورت نظارت تضمینی برای دموکراسی جلوه می‌نماید.<sup>۲۲</sup>

قانون اساسی، شبکه‌ای از نهادها و صلاحیت‌ها را ایجاد می‌کند. طبق اصل برتری قانون اساسی هیچ کدام از نهادهای سیاسی حتی قوه قانونگذار نمی‌توانند از احکام مندرج در قانون اساسی تخلف کنند. اگر نهادهای مزبور، بدون اجازه قانون اساسی بخشی از صلاحیت‌های اساسی خود را به نهادهای دیگر تفویض کنند، در حقیقت خود را در جای مقنن اساسی قرار داده و در ساختاری که توسط قانون اساسی به وجود آمده است، دخل و تصرف کرده‌اند. حال آن که مستفاد از اصل برتری قانون اساسی، قانونگذار اساسی به عنوان قوه مؤسس، بر قانونگذار عادی یا قوه مقننه رجحان دارد و قوه اخیر ملزم به تبعیت از قوه نخست است. البته این اصل، بدان معنا نیست که در هر نظامی که اصل برتری قانون اساسی جریان دارد، اصل عدم تفویض نیز جریان دارد. بلکه این اصل فقط در نظام‌هایی جریان دارد که اولاً اصل برتری قانون اساسی را پذیرفته‌اند و ثانیاً قانون اساسی به صراحت این اصل را رد نکرده است. همچنین در مواردی که قانون اساسی صراحتاً یا تلویحاً اصل عدم تفویض را مورد شناسایی قرار داده است، ممکن است استثناهائی را نسبت به اصل پذیرفته باشد.<sup>۲۳</sup>

<sup>۲۲</sup> تروپه، میشل، «منطق حاکم بر توجیه صیانت از قانون اساسی»، ترجمه محمدرضا ویژه و عباسعلی کدخدایی، مجله دانش‌حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۶۶، ۱۳۸۳، ص

### ۳-۱. انتقادات وارده بر مبانی نظری تفویض اختیار قانونگذاری

بر سه مبنای اول، انتقادات مختلفی مطرح شده است. در خصوص مبنای توکیل چنین گفته شده است که اصل نمایندگی در حقوق عمومی ترجمان نهاد وکالت در حقوق خصوصی نیست و این دو از جهات مختلف با هم تفاوت‌هایی دارند. به عنوان بارزترین نمونه، می‌توان به این مسئله اشاره کرد که در حقوق خصوصی شخص تنها در کاری می‌تواند وکیل بگیرد که خود می‌تواند در آن دخالت کند. هرچند اصل عدم تفویض قانونگذاری شبیه قاعده عدم جواز توکیل است، ولی اصل عدم تفویض از حقوق خصوصی وارد حقوق عمومی نشده است، بلکه هر دو ترجمان یک اصل کلی حقوقی هستند که طبق آن، نمی‌توان صلاحیت یا اختیار تفویض شده را مجدداً تفویض کرد، حال چه در حقوق خصوصی باشد و چه در حقوق اساسی. در خصوص اصل تفکیک قوا، هرچند شاید بتوان گفت بین اصل تفکیک قوا و اصل عدم تفویض ارتباط‌هایی وجود دارد، ولی نمی‌توان اصل عدم تفویض را فرع بر تفکیک قوا قلمداد کرد. تفکیک قوا حوزه اعمال اصل عدم تفویض و وجوه مختلف آن را مشخص می‌کند، ولی دلیل وجود آن اصل نیست. از طرف دیگر، اگر در یک نظام سیاسی، تفکیک قوا وجود نداشت، نمی‌توان گفت که در چنین نظامی اصل بر تفویض صلاحیت‌ها است. اصل عدم تفویض، فرع بر مسئله اعطا یا تفویض صلاحیت است نه تفکیک بین صلاحیت‌های مختلف. همچنین، در حقوق خصوصی نیز که اصل عدم تفویض به نوعی جریان دارد، مسئله‌ای تحت عنوان تفکیک قوا وجود ندارد. در مورد دموکراسی نماینده سالار نیز گفته می‌شود که همان طور که پارلمان نماینده مردم است، دولت نیز نماینده مردم می‌باشد؛ حتی می‌توان گفت که درجه نمایندگی دولت بیشتر است چون افراد خصوصی به نظام اداری بیشتر دسترسی دارند، نمایندگی مردم از طریق نظام اداری بیشتر میسر است تا پارلمان. به عبارت دیگر بدنه گسترده قوه مجریه از کارمندان بسیار زیادی تشکیل شده است که همگی یا اغلب از میان خود مردم هستند و بهتر می‌توانند اندیشه‌ها و دغدغه‌های

مردم را منعکس کنند<sup>۲۴</sup>.

## ۲. تفویض اختیار قانونگذاری در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی

### ایران

در این قسمت، نخست، تاریخچه‌ی تفویض اختیار قانونگذاری مورد بررسی قرار می‌گیرد (گفتار نخست) و سپس، اصل صلاحیت عام مجلس و استثنائات آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت (گفتار دوم).

#### ۲-۱. تاریخچه

پیش از انقلاب اسلامی، کمیسیون‌های «مجلس شورای ملی» و «مجلس سنا» در مواردی مستقلاً اقدام به قانونگذاری می‌کردند که مستند قانونی آن‌ها روشن نیست؛ چرا که در قانون اساسی مشروطه، چنین اجازه‌ای به مجلس داده نشده بود<sup>۲۵</sup>.

۱۳۲

هرچند قانون اساسی مشروطه و متمم آن -مصوّب ۱۲۸۵ هجری شمسی- اشاره‌ای به اصل عدم تفویض قانونگذاری نکرده بود، ولی پس از انقلاب اسلامی، این مسئله در اصل ۸۵ قانون اساسی مورد شناسایی واقع شد. البته شاید بتوان گفت که اصل عدم تفویض قانونگذاری در قانون اساسی مشروطه از دو اصل ۲۷ و ۲۸ متمم قانون اساسی به طور تلویحی قابل برداشت بود. در جریان تصویب قانون اعطای اختیارات به شخص آقای مصدّق مصوّب ۱۳۳۱/۵/۲۰، آیت‌الله کاشانی طی نامه‌ای، اعتراض خود را نسبت به تصویب چنین قانونی اعلام کرد. وی با استناد به دو اصل مزبور، معتقد بود که تفویض اختیار قانونگذاری، خلاف قانون اساسی مشروطه است<sup>۲۶</sup>.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئله تفویض اختیار، به صراحت مورد تأکید واقع شد. اصل ۸۵ قانون اساسی مصوّب ۱۳۵۸ این چنین مقرر می‌داشت:

<sup>۲۴</sup> کدخدایی، عباسعلی و آقای طوق، مسلم، پیشین، ص ۸۳

<sup>۲۵</sup> جهان بین، عبدالله، پیشین، ص ۶

<sup>۲۶</sup> کدخدایی، عباسعلی و آقای طوق، مسلم، پیشین، ص ۸۵

تفویض اختیار قانونگذاری در حقوق اساسی ایران، کامرون و کنیا

« سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند، ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود.»

طبق این اصل، تنها استثناء برای تفویض قانونگذاری، «قوانین آزمایشی» بود که در بازنگری قانون اساسی،<sup>۲۷</sup> اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت نیز به آنها اضافه شد.<sup>۲۸</sup>

طبق این اصل، چنین به نظر می‌رسد که دو نوع تفویض در نظام حقوقی فعلی ایران پذیرفته شده است: تفویض اختیار خارجی (تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت) و تفویض اختیار داخلی (واگذاری به کمیسیون‌های داخلی مجلس). بنابراین، به نظر می‌رسد در نظام حقوقی کشور ما اصل بر عدم تفویض اختیار قانونگذاری از سوی مجلس به سایر نهادها است. با این وجود در برخی موارد به صورت استثنائی، تفویض به صورت استثناء بر قاعده مورد پذیرش قرار گرفته است.

<sup>۲۷</sup> پس از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، بر اساس اصل ۸۵: «سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیأتی واگذار نماید ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند. در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود. همچنین، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های ذربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت، مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است. علاوه بر این، مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.»

<sup>۲۸</sup> جهان بین، عبدالله، پیشین، ص ۶

## ۲-۲. صلاحیت عام مجلس در قانونگذاری و استثنائات آن

اصل پنجاه و هشتم قانون اساسی، اعمال قوه مقننه را از طریق مجلس شورای اسلامی که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود اعلام می‌دارد. در قانون اساسی جز یک مجلس به نام مجلس شورای اسلامی برای اعمال قوه مقننه پیش بینی نشده است. در قانون اساسی ایران، تصویب قانون از طریق رفراندوم و مراجعه مستقیم به آرای عمومی نیز پیش بینی شده ولی ارجاع به همه پرسی نیز باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.<sup>۲۹</sup>

نیازهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه چنان گسترده و وسیع و تابع شرایط گوناگون زمان و مکان است که اصولاً نمی‌توان آن را از پیش به طور دقیق و مشخص تعیین نمود، لذا وضع قوانین حسب نیاز، موکول به تشخیص مقام صلاحیت دار جامعه است. صلاحیت عام قانونگذاری متکی به تدابیر مجلس است. کمیت و کیفیت قوانین در ارضای تمنیات و خواسته‌های مردم نشان دهنده لیاقت و شایستگی مجلس می‌باشد.<sup>۳۰</sup>

در این خصوص باید گفت صدر اصل ۸۵ قانون اساسی به اصل مذکور اشاره دارد و ذیل آن به بیان استثنائات پرداخته است. با توجه به صراحت اصل ۸۵ قانون اساسی، بی تردید دولت می‌تواند اساسنامه‌ی سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت را در صورت تفویض مجلس تصویب کند. حال، پرسشی که مطرح می‌شود این است که اصلاح و تغییر این اساسنامه‌ها در صلاحیت چه مرجعی است؟ در خصوص این که در صورت واگذاری تصویب اساسنامه‌ها به دولت، آیا اصلاح آن‌ها در اختیار دولت است یا اینکه اصلاح آن‌ها توسط دولت نیازمند اجازه مجدد از مجلس می‌باشد استفساریه‌ای از شورای نگهبان شد، ولی شورا به

<sup>۲۹</sup> مهرپور، حسین، «جایگاه و حوزه صلاحیت مجلس قانونگذاری در قانون اساسی»، گزارش

کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰، ص ۶

<sup>۳۰</sup> هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، چاپ بیستم، تهران، نشر

میزان، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵

تفویض اختیار قانونگذاری در حقوق اساسی ایران، کامرون و کنیا نظریه تفسیری نر سید. به نظر می‌رسد برای پاسخ دادن به پرسش مطروحه باید نخست به این پرسش پاسخ داد که مقصود قانونگذار اساسی از کلمه «دائمی» در عبارت «تصویب دائمی اساسنامه» چیست؟ با توجه به مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی در مورد الحاقیه اصل ۸۵ قانون اساسی و رویه عملی شورای نگهبان می‌توان گفت که مقصود قانونگذار اساسی این است که در صورت تفویض تصویب دائمی اساسنامه‌ها به دولت تا وقتی که سازمان‌ها و شرکت‌های مورد نظر اصل ۸۵ منحل نشده‌اند و مجلس نیز از تفویض خویش عدول نکرده است، دولت حق تصویب اساسنامه‌ها و تغییر آن‌ها را دارد. به عبارت دیگر، در اثر تفویض اختیار تصویب دائمی اساسنامه‌ها به دولت، تصویب این اساسنامه‌ها نه به صورت موقت بلکه برای مدت نامعلومی به دولت واگذار می‌شود و از این رو در مواردی که احساس شود اعمال تغییرات در این اساسنامه‌ها لازم است، دولت نیازی به گرفتن اجازه مجدد از مجلس ندارد. شایان ذکر است که اختیار دولت در تصویب دائمی اساسنامه‌ها نافی اختیار قانونگذاری مجلس نیست. مجلس شورای اسلامی می‌تواند هر وقت که صلاح بداند رأساً به تصویب یا تغییر اساسنامه‌ها مبادرت ورزد. به دلیل عدم توفیق شورای نگهبان در دستیابی به نظریه تفسیری در خصوص استفساریه مطرح شده، تصمیم‌گیری درباره این مورد به مصوبه تفسیری مجلس شورای اسلامی موکول گردید، و نظر مجلس در قالب ماده واحده‌ای تحت عنوان قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۲۰ این گونه بیان شد: «هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیأت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیأت وزیران است.» قانون اساسی در خصوص لزوم اعمال اصل ۹۶ در مورد اساسنامه‌های مصوب دولت صراحت دارد، زیرا اعتبار آن‌ها را منوط به نظارت شورای نگهبان کرده است. بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی مجلس می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه‌ها را با رعایت اصل ۳۱۷۲<sup>۳۱</sup> به کمیسیون‌های داخلی خویش واگذار کند یا اجازه تصویب آن‌ها را به

<sup>۳۱</sup> این اصل مقرر می‌دارد: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام

دولت بدهد. از این رو اساسنامه‌ها نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایر باشند، تشخیص این امر بر اساس اصل ۳۲۹۶ به عهده شورای نگهبان است. قانونگذار اساسی در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ اصل قانونی بودن اساسنامه‌ی شرکت‌ها، مؤسسات و سازمان‌های دولتی یا وابسته به دولت را شناسایی کرده است، از این رو تصویب این اساسنامه‌ها از امور تقنینی محسوب می‌شود. شورای نگهبان در یکی از نظریات تفسیری خود چنین بیان داشته است: «کلیه اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت که پس از تاریخ صلاحیه قانون اساسی به تصویب هیأت دولت رسیده یا برسد خواه اجازه تصویب آن قبل از تاریخ صلاحیه قانون اساسی داده شده و یا بعد از تاریخ مزبور باشد، خواه در ضمن واگذار نمودن اجازه تصویب، تصریح به اصل ۸۵ قانون اساسی شده باشد یا نشده باشد، مشمول حکم مقرر در اصل ۹۶ می‌باشد و باید برای تشخیص عدم مغایرت آن‌ها با موازین شرع و قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شود»<sup>۳۳</sup>.

بنابراین با توجه به ماهیت دوگانه اساسنامه‌ها به نظر می‌رسد که مجلس یا می‌بایست اساسنامه‌ای را تصویب کند و یا اجازه تصویب آن را به طور کلی به دولت بدهد. مجلس نمی‌تواند اجازه اصلاح اساسنامه مصوب خود را به دولت بدهد یا اساسنامه مصوب دولت را رأساً اصلاح کند، اما می‌تواند اساسنامه مصوب خود را کلاً برای تصویب مجدد به دولت تفویض، یا اساسنامه مصوب دولت را کلاً و از ابتدا، خود تصویب نماید<sup>۳۴</sup>.

---

مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است.»

<sup>۳۲</sup> بر اساس این اصل: «تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است.»

<sup>۳۳</sup> مجموعه نظریات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان در خصوص اصول قانون اساسی

۱۳۸۰-۱۳۵۹، ۱۳۸۱، ص ۲۱۱

<sup>۳۴</sup> جهان بین، عبدالله، پیشین، ص ۱۰



تفویض اختیار قانونگذاری در حقوق اساسی ایران، کامرون و کنیا  
 مطلب دیگر در این زمینه، تصویب قوانین آزمایشی است. طبق اصل ۸۵ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی می‌تواند در موارد ضروری اختیار وضع بعضی از قوانین را به کمیسیون داخلی خود تفویض کند. قوانین مصوّب کمیسیون‌ها موقتی‌اند که مدت اجرای آن‌ها توسط مجلس پس از تفویض اختیار قانونگذاری به کمیسیون‌ها و تصویب کمیسیون مربوطه تعیین می‌شود. اجرای این قوانین در مدت تعیین شده جنبه آزمایشی دارد. این قوانین اجرا می‌شوند تا در عمل وضعیت و میزان موفقیت و مفید بودن آن‌ها معلوم شود و پس از آن در صورت لزوم به تصویب نهایی مجلس برسد. پس از انقضای مهلت تعیین شده برای اجرای آزمایشی، این قوانین اعتبار قانونی ندارند، بنابراین دولت یا نمایندگان مجلس باید قبل از انقضای مدت آزمایشی آن‌ها به منظور تعیین تکلیف دائمی، لایحه یا طرح قانونی لازم را به مجلس ارائه کنند. رویه جاری بر این قرار گرفته است که اگر طرح یا لایحه مذکور تهیه نشود، درخواست تمدید مهلت اجرای آزمایشی آن صورت می‌گیرد و مجلس درخواست تمدید مهلت اجرای آزمایشی آن را تصویب می‌کند. نمونه بارز آن تمدید چندین باره مهلت اجرای آزمایشی قانون مجازات اسلامی سابق است.<sup>۳۵</sup>

در این مورد در خصوص شرایط حاکم بر تصویب قوانین آزمایشی باید گفت رعایت برخی موارد ضروری است:

اولاً- ضرورت امری استثنائی به شمار می‌رود و تجویز آن باید متکی به دلایل قانع کننده اجتماعی و سیاسی باشد. به هر حال، تشخیص ضرورت با مجلس است بدین ترتیب: «هرگاه دولت یا پانزده نفر از نمایندگان تقاضای ارجاع طرح یا لایحه‌ای را طبق اصل ۸۵ به کمیسیون‌های مجلس و یا دولت بنمایند این تقاضا در جلسه علنی اعلام و به ترتیب در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد».

ثانیاً- تصویب کمیسیون: کمیسیون‌ها به منزله مجالس کوچک هستند. بر این اساس، پس از موافقت مجلس، طرح یا لایحه به کمیسیون فرستاده می‌شود و مناط در تصویب، رأی حداقل دو سوم اعضای کمیسیون می‌باشد.

<sup>۳۵</sup> تقی‌زاده، جواد و نجابت خواه، مرتضی و فولادوند، سجّاد، "تأملی درباره تفویض اختیار قانونگذاری در نظریات شورای نگهبان"، فصلنامه دانش حقوق عمومی، شماره ۷، ۱۳۹۳، ص ۷

ثالثاً- آزمایشی و موقتی بودن قوانین: پس از تصویب قانون در کمیسیون‌ها، تعیین مدت اجرای آزمایشی آن در دستور کار مجلس قرار خواهد گرفت. اعتبار قوانین آزمایشی محدود به مدت تعیین شده است و در صورت انقضای مدت، با استنباط از تصریح قانون از آن پس دیگر معتبر به نظر نمی‌رسد.

رابعاً- قطعیت یافتن قوانین آزمایشی: تصویب قوانین آزمایشی با مجلس است. قوانین آزمایشی اضطراری که معمولاً برای زمان بحران به تصویب می‌رسد، پس از رفع بحران موضوعاً منتفی است و چنان چه قرار بر قطعی بودن آن‌ها باشد، در تصویب نهایی لزوماً مفاد آن متناسب با زمان عادی دگرگون خواهد شد<sup>۳۶</sup>.

در خصوص این که اساساً در نظام حقوق اساسی ایران، فلسفه تفویض اختیار قانونگذاری چیست باید گفت چنانچه فلسفه پیش‌بینی این تفویض و این استثناء، طولانی بودن و مفصل بودن اساسنامه‌ها باشد، به نظر می‌رسد در سایر قوانین مفصل نیز این اشکال وجود دارد و اساسنامه‌ها از این لحاظ خصوصیت ویژه و متمایزی نسبت به سایر قوانین مفصل ندارند. بنابراین «زمان‌بر» بودن تدوین اساسنامه‌ها نمی‌تواند توجیه منطقی مناسبی برای پیش‌بینی چنین تفویضی در قانون اساسی باشد.

چنانچه فلسفه پیش‌بینی امکان تفویض اساسنامه‌ها به دولت و کمیسیون‌های داخلی، «تخصّصی بودن اساسنامه‌ها» باشد، باید گفت که این موضوع یکی از مشکلات اساسی شورای اسلامی است که تصویب قوانین تخصّصی را با چالش و مشکل مواجه می‌سازد و این مشکل تنها ناظر به اساسنامه‌های دولتی نیست. شاید به همین دلیل باشد که تاکنون قوانین جزایی در صحن علنی مجلس به تصویب نرسیده‌اند، بلکه در کمیسیون‌ها به صورت آزمایشی تصویب شده‌اند. به نظر می‌رسد که می‌بایست برای حلّ این مشکل، چاره‌ای اندیشید. مثلاً برخی مجالس، کمیسیون محور هستند. همچنین در نظام‌های دو مجلسی، مجلس سنا تا حدّی رافع این مشکل است. در هر حال، این مشکل مجلس، محدود به

<sup>۳۶</sup> هاشمی، محمد، پیشین، ص ۱۳۵

تفویض اختیار قانونگذاری در حقوق اساسی ایران، کامرون و کنیا اساسنامه‌های دولتی نیست و این امر، در سایر قوانین تخصصی نیز نمود و بروز دارد. لذا تخصصی بودن اساسنامه‌ها توجیه منطقی صحیحی برای پیش‌بینی این امکان نیست.

با توضیحات فوق، به نظر می‌رسد «فلسفه تفویض اساسنامه‌ها» نه «مفصل بودن» آن‌ها بوده است و نه «تخصصی بودن»، بلکه «ماهیت اجرایی» داشتن مفاد اساسنامه‌ها مبنایی‌تر بوده است.<sup>۳۷</sup>

### ۳. تفویض اختیار قانونگذاری در نظام حقوق اساسی کامرون

اصلاحات نهادین در کشورهای آفریقایی در سال‌های اخیر به واسطه اشکال مختلف تمرکززدایی<sup>۳۸</sup> نمودار شده است. به طور کلی، تاکنون، حکومت‌های متمرکز، یک برنامه اصلاحی با هدف انتقال برخی اختیارات، تکالیف و منابع به حکومت‌های محلی و قدرتهای بومی را آغاز کرده‌اند. یکی از این کشورها، کامرون است. این فرآیند در این کشور، شکل‌دهنده چارچوب سیاست ملی بر مبنای ایجاد دموکراسی است که از دهه ۱۹۹۰ به این سو آغاز گردیده است.<sup>۳۹</sup> قانون اساسی کنونی کشور کامرون<sup>۴۰</sup> در آخرین اصلاحیه در سال ۱۹۹۶ به تصویب رسیده است. قانون اساسی ۱۸ ژانویه ۱۹۹۶ اصلاحیه‌ای بر قانون اساسی ۲ ژوئن ۱۹۷۲ می‌باشد. این قانون اساسی در ۱۳ بخش با عناوین زیر به تصویب رسیده است:

دولت و حق حاکمیت، قوه مجریه، قوه قانونگذاری، روابط میان قوه مجریه و قوه قانونگذاری، قوه قضائیه، معاهدات و قراردادهای بین‌المللی، دادگاه جرم‌انگاری، شورای اقتصادی و اجتماعی، مقامات منطقه‌ای و محلی، اصلاح قانون اساسی، مقررات ویژه، مقررات نهایی و انتقالی.

<sup>۳۷</sup> جهان بین، عبادالله، پیشین، ص ۷-۸

<sup>۳۸</sup> Decentralisation

<sup>۳۹</sup> Cheka, Cosmas, "The State of the Process of Decentralisation in Cameroon", **32 Africa Development**, No. 2., 2007, p 182-183

<sup>۴۰</sup> Law No. 96-06 of 18 January 1996 to Amend the Constitution of 2 June 1972.

با توجه به این که تفویض اختیار، مستلزم انتقال بخشی از قدرت یا مسئولیت در خصوص تصمیم‌گیری از نهادهای مرکزی به نهادهای جانبی در یک نهاد یا سازمان می‌باشد<sup>۴۱</sup>، در قانون اساسی کشور کامرون در برخی مواد می‌توان موضوع تفویض قانونگذاری را مشاهده کرد. قسمت چهارم قانون اساسی جمهوری کامرون با عنوان روابط میان قوای مقننه و مجریه<sup>۴۲</sup> در ماده ۴۳۲۵ و ۴۴۲۶ به این موضوع

---

<sup>۴۱</sup> W. Forje, John, "Rethinking Decentralization and Devolution of Power within the African Context: Challenges and Opportunities", **African Association for Public Administration and Management**, 2006, p 7

<sup>۴۲</sup> Relations Between the Executive and Legislative Powers

<sup>۴۳</sup> Article 25: Bills may be tabled either by the President of the Republic or by members of parliament.

<sup>۴۴</sup> Article 26: (1) Bills shall be passed by Parliament.

(2) The following shall be reserved to the Legislative Power:

(a) The fundamental rights, guarantees and obligations of the citizen:

1. safeguarding individual freedom and security;
2. the rules governing public freedoms;
3. labour legislation, trade union legislation, rules governing social security and insurance;
4. the duties and obligations of the citizen in respect of national defence requirement&.

(b) The status of persons and property ownership system:

1. nationality, status of persons, matrimonial system, succession and gifts;
2. rules governing civil and commercial obligations;
3. movable and immovable property ownership system.

(c) The political, administrative and judicial organization:

1. rules governing election of the President of the Republic and elections into the National Assembly, the Senate, Regional and Local Bodies and referendum operations;
2. rules governing associations and political parties;
3. the organization, functioning, powers and resources of regional and local authorities;
4. general rules governing the organization of national defence;
5. judicial organization and the creation of various types of courts;
6. the definition of felonies and misdemeanours and the institution of penalties of all kinds, criminal procedure, civil procedure, measures of execution, amnesty.

(d) The following financial and patrimonial matters:

1. rules governing the issue of currency;
2. the budget;

تفویض اختیار قانونگذاری در حقوق اساسی ایران، کامرون و کنیا

پرداخته است.

در مورد صلاحیت‌های مجالس قانونگذاری در هر کشوری نظام خاصی حکم‌فرماست. در برخی از کشورها مانند کامرون، صلاحیت‌های مجلس به صورت موردی در قانون اساسی تصریح شده است و این موارد در صلاحیت خاص مجلس قرار می‌گیرند.

ماده ۴۵۲۸ این قانون، مقررّه اصلی در زمینه تفویض اختیار قانونگذاری است. در این خصوص با توجه به ماده ۲۸ باید در مورد شرایط و قواعد حاکم بر این تفویض اختیار به نکاتی توجه داشت. این موارد عبارتند از: تفویض خارجی (گفتار نخست) و تصویب هم‌زمان قوانین توسط مجلسین و استمرار آن (گفتار دوم).

### ۳-۱. تفویض خارجی (تفویض اختیار به ریاست جمهوری)

۱۴۱

در نظام حقوقی کامرون، تفویض اختیار قانونگذاری از جانب مقنن، به صورت داخلی صورت نمی‌پذیرد، بلکه این امر، صرفاً خارجی می‌باشد. بدین معنا که تفویض اختیار قانونگذاری به مقامی خارج از حیطه قوه مقننه صورت می‌پذیرد و مقام و منصب قانونگذاری را-که وظیفه انحصاری قوه مقننه می‌باشد- بر عهده می‌گیرد. به

3. the creation of duties and the determination of their basis of assessment, rates and methods of collection;

4. land tenure, State lands and mining;

5. natural resources.

(e) Programming the objectives of economic and social action.

(f) The system of education.

<sup>۴۵</sup> Article 28: (1) However, with regard to the subjects listed in Article 26

(2) above, Parliament may empower the

President of the Republic to legislate by way of ordinance for a limited period and for given purposes.

(2) Such ordinances shall enter into force on the date of their publication. They shall be tabled before the bureaux of the National Assembly and the Senate for purposes of ratification within the time-limit laid down by the enabling law. They shall be of a statutory nature as long as they have not been ratified.

(3) They shall remain in force as long as Parliament has not refused to ratify them.

بیان دیگر، مقنن، اختیار قانونگذاری را مستقیماً به کمیسیون‌های داخلی خود واگذار نمی‌نماید، بلکه این اختیار را به بالاترین مقام قوه مجریه می‌دهد.

در نظام حقوقی کامرون، مفوض‌الیه، رئیس جمهوری است و رئیس جمهور در برخی شرایط، این اختیار را از مجلس خواهد گرفت. در واقع، در مقایسه با نظام حقوقی ایران، تفویض اختیار، در کامرون تنها تفویض خارجی است که به نظر می‌رسد، این مسئله، ضعف قانون اساسی کامرون محسوب می‌گردد. به عبارت دیگر، شایسته بود مقنن ابتدا از تمام ظرفیت قانونگذاری قوه مقننه استفاده می‌نمود و در کنار آن، تفویض اختیار خارجی را پیش‌بینی می‌نمود.

یکی از نکاتی که در ماده ۲۸ قانون اساسی این کشور مورد اشاره قرار گرفته این مطلب است که با توجه به صدر ماده ۲۸، با آنکه در ماده ۲۶ برخی مسائل و موضوعات مهم در صلاحیت مجلس قرار گرفته است اما در صورتی که پارلمان تفویض قانون را به رئیس جمهور واگذار نماید، رئیس جمهور می‌تواند در موارد مذکور در ماده ۲۶ نیز قانونگذاری کند.

این نکته شایان تأکید است، که اگر قوه‌ای بتواند در صلاحیت اختصاصی قوه دیگر دخالت نماید، کار او با اصل تفکیک قوا تعارض پیدا می‌کند. بدین معنا که صلاحیت انحصاری مجلس قانونگذاری، مضمون از مداخله سایر قوا نمی‌باشد و قوه مجریه توانایی دخالت در حوزه انحصاری قوه مقننه را دارد.

در سیاق کنونی، تفکیک قوا عبارتست از: توزیع وظایف حکومت میان قوای سه‌گانه (مقننه، قضائیه و مجریه) به منظور عدم تمرکز قدرت در دست اقلیتی محدود که منجر به تضمین حقوق و آزادی‌های فردی می‌گردد<sup>۴۶</sup>. با این حال، لازم به ذکر است تعدیل این اصل در برخی شرایط و اوضاع و احوال استثنائی و آن هم در قالب مشخص و مدت محدود قابل توجیه به نظر می‌رسد.

<sup>۴۶</sup> پروین، خیرالله و اصلانی، فیروز، اصول و مبانی حقوق اساسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران،

### ۲-۳. تصویب هم‌زمان قوانین توسط مجلسین و استمرار آن

در مباحث قبل اشاره گردید که ماده ۲۸ قانون اساسی جمهوری کامرون، به قوه مجریه اختیار قانونگذاری را با شرایطی خاص واگذار نموده است. اگرچه بند ۲ ماده ۲۸ چنین بیان شده که چنین قوانینی به محض انتشار لازم الاجرا هستند اما در ادامه، این موضوع مورد تأکید واقع شده است که این قوانین باید در مدت زمان مناسبی مورد تأیید مجلس ملی و سنا قرار گیرد. البته این تأیید تنها تأیید ضرورت تصویب این قانون در چارچوب تفویض اختیار قانونگذاری است. همچنین تأیید مجلسین تأکید بر جنبه نظارتی قوا نسبت به یکدیگر تلقی می‌گردد، تا قوه از اختیارات خود سوء استفاده ننماید. در این جا نیز قوه مجریه دارای دو مقام تقنینی و اجرایی است که نظارت و کنترل قدرت اهمیت بسیاری می‌یابد.

همان‌گونه که اشاره گردید، تفویض اختیار، به معنای واگذاری مطلق صلاحیت یک مرجع محسوب نمی‌گردد، و صرفاً در برخی موارد استثنائی مرجعی دارای اختیارات انحصاری سایر قواست، امری که ضرورتاً باید در چارچوب مشخصی صورت پذیرد، و بی حد و حصر بودن تفویض اختیار، لطمه جدی به حقوق و آزادی‌ها محسوب می‌گردد. بنابراین، به درستی در قوانین اساسی کشورهای مختلف، شروط و قیودی را برای تفویض اختیار لحاظ نموده‌اند. یکی از این شرایط، بند ۳ ماده ۲۸ قانون اساسی کامرون می‌باشد که مقرر می‌دارد: «این احکام تا زمانی که پارلمان از قبول و تصویب آن‌ها امتناع نکرده است، لازم‌الاجراء باقی می‌مانند».

مشابه شرط مذکور، مقرره‌ای است که در اصل ۸۵ قانون اساسی ایران قید شده است؛ یعنی این قوانین تا زمانی که مورد ایراد قرار نگرفته باشند همچنان معتبر هستند. در خصوص تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی نیز وجود قید «دائمی» نشان می‌دهد در خصوص اصلاح این امور، خود دولت ابتکار عمل را در دست دارد.

### ۴. تفویض اختیار قانونگذاری در نظام حقوق اساسی کنیا

جدیدترین قانون اساسی کشور کنیا، مصوب سال ۲۰۱۰<sup>۴۷</sup> است. قانون اساسی کنیا در هجده بخش کلی و اصلی تنظیم شده است که به ترتیب عبارت‌اند از: حاکمیت مردم و برتری قانون اساسی، جمهوری بودن نظام کنیا، حقوق شهروندی، منشور حقوق بشر، زمین و محیط زیست، شفافیت و صداقت، مشارکت مردم، قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه، دولت محلی، بودجه عمومی، امنیت ملی، کمیسیون‌ها و نهادهای مستقل، اصلاح قانون اساسی و مقررات تبعی. در خصوص امر تفویض اختیار قانونگذاری در کشور کنیا گفته شده است که در میان عوامل گوناگون، مهم‌ترین عامل در خصوص پذیرش تفویض اختیار، مسئله بهینه‌سازی است، این انتظار که کارکردهای تمرکززدایی به سوی پایین‌ترین سطوح ممکن تصمیم‌گیری و اجرا، جریان اطلاعات را روان می‌کند و باعث کاهش هزینه‌ها می‌گردد<sup>۴۸</sup>.

فصل هشتم این قانون با عنوان قوه مقننه، به ساز و کار موجود در این قانون در خصوص پارلمان می‌پردازد. بر اساس ماده ۴۹،۹۳ قوه مقننه در این کشور مرکب است از دو مجلس ملی و سنا و این دو مجلس در وضع قوانین باید طبق قانون اساسی عمل کنند. به موجب ماده ۵۰،۹۴ قدرت قانونگذاری متعلق به مردم است که

<sup>۴۷</sup> Constitution of Kenya, 2010.

<sup>۴۸</sup> Othieno Nyanjom, "Devolution in Kenya's new Constitution", Society for International Development, 2011, p 3

<sup>۴۹</sup> Article 93: "(1) There is established a Parliament of Kenya, which shall consist of the National Assembly and the Senate.

(2) The National Assembly and the Senate shall perform their respective functions in accordance with this Constitution".

<sup>۵۰</sup> Article 94:"(1) The legislative authority of the Republic is derived from the people and, at the national level, is vested in and exercised by Parliament.

(2) Parliament manifests the diversity of the nation, represents the will of the people, and exercises their sovereignty.

(3) Parliament may consider and pass amendments to this Constitution, and alter county boundaries as provided for in this Constitution.

(4) Parliament shall protect this Constitution and promote the democratic governance of the Republic.

(5) No person or body, other than Parliament, has the power to make



تفویض اختیار قانونگذاری در حقوق اساسی ایران، کامرون و کنیا

از طریق انتخابات به مجلس واگذار شده است که در سطح ملی عمل می‌کند. حسب بند ۵ ماده ۹۴، هیچ نهاد و مرجعی غیر از پارلمان، قدرت قانونگذاری ندارد مگر آنکه به موجب قانون اساسی یا مقررات عادی مقرر شود. بلافاصله در بند ۶ این گونه بیان شده است: «قانون پارلمان یا قوانین موجود در حکومت‌های محلی ممکن است صلاحیت قانونگذاری را به یک نهاد حکومتی، سازمان حکومتی یا یک شخص اداری اعطا کنند». بنابراین در چنین قانونی رعایت موارد زیر الزامی است:

- بیان صریح اهداف،

- بیان دلایل و توجیحات تفویض اختیار،

- ماهیت و حوزه قانونی که توسط این مرجع تصویب خواهد شد،

- اصول و استانداردهای اعمال شده بر قانون مصوب مرجع غیر از پارلمان.

با توجه به بند ۶ ماده ۹۴، باید به این امر عنایت داشت که میزان امر تفویضی،

به علاوه رعایت اصول و معیارهای قابل اعمال بر قانون مربوطه، باید به طور روشن و

شفاف معلوم باشد<sup>۵۱</sup>. لازم به ذکر است که در قانون اساسی سابق کنیا (بر اساس

بخش ۳۰)، مرجع قانونگذاری، پارلمان بود که خود، متشکل از دو قسمت، تحت

عنوان مجمع عمومی<sup>۵۲</sup> و ریاست جمهوری<sup>۵۳</sup> بود. در حالی که در قانون اساسی

جدید (۲۰۱۰)، پارلمان، نهادی تحت عنوان رئیس جمهوری ندارد.

بنابراین، با توجه به قانون اساسی کنیا می‌توان گفت، صلاحیت اصلی

---

provision having the force of law in Kenya except under authority conferred by this Constitution or by legislation.

(6) An Act of Parliament, or legislation of a county, that confers on any State organ, State officer or person the authority to make provision having the force of law in Kenya, as contemplated in clause (5), shall expressly specify the purpose and objectives for which that authority is conferred, the limits of the authority, the nature and scope of the law that may be made, and the principles and standards applicable to the law made under the authority”.

<sup>۵۱</sup> Morris Kiwinda Mbondenyei & John Osogo Ambani, “The New Constitutional Law of Kenya: Principles, Government and Human Rights”, **Law African Publishing**, 2010, p 121

<sup>۵۲</sup> National Assembly

<sup>۵۳</sup> President

قانونگذاری در اختیار پارلمان است ولی در برخی شرایط ممکن است پارلمان تفویض اختیار کند. این شرایط و اصول تحت دو عنوان تفویض اختیار به نهادها و اشخاص دولتی (گفتار نخست) و بیان قلمرو، ماهیت و محدودیت های قانون (گفتار دوم) مورد تحقیق قرار می گیرد.

#### ۴-۱. تفویض اختیار به نهادها و اشخاص دولتی

ابتدائاً لازم به توضیح است که در نص قوانین، بعضاً عباراتی ملاحظه می گردد که دارای ابهام است و تفاسیر و بحث های مفصلی را به دنبال دارد. اگر عبارات مزبور در موادی به کار گرفته شوند که استثناء بر قاعده موجود در یک نظام حقوقی باشد، مشکل دوچندان می گردد. یکی از این عبارات، در قانون اساسی کنیا به کار برده شده است که سزاوار توضیح است:

۱۴۶

بر خلاف کشور کامرون که تفویض اختیار تنها به رئیس جمهور امکان پذیر بود، محدوده و دامنه تفویض اختیار در کشور کنیا وسیع و گسترده است، چرا که مصادیق دقیق نهاد و شخص اداری مشخص نشده است و این طیف وسیع، قابل نقد می باشد، چرا که قانون اصولاً باید توسط نمایندگان اراده عمومی تصویب شود و در این صورت یک شخص که قانونگذاری به او تفویض شده، مرجع تصویب قانون قرار می گیرد.

همان گونه که بیان گردید، برای پرهیز از سوءاستفاده از یک استثناء، تمام ابعاد آن باید به صورت مشخص و به دور از هرگونه ابهام بیان گردد تا راه برداشت های ناصواب را مسدود گرداند. در این خصوص، در قانون اساسی کنیا مواردی در تفویض اختیار لحاظ گردیده است تا ابهامات را در خصوص این استثناء بر قاعده برطرف نماید.

در این راستا برای پرهیز از سوء استفاده، پارلمان باید اهداف دقیق را از تفویض اختیار به نهادها و اشخاص دولتی بیان نماید و این مورد، بیشتر ناظر بر بیان توجیهات است.

تفویض اختیار قانونگذاری در حقوق اساسی ایران، کامرون و کنیا  
این که نهادی بخواهد و ظایف قانونی خود را به دیگری واگذارد، نیاز به  
دلایل متقن دارد که قانونگذار اساسی کنیا به درستی آن را پیش بینی نموده است.

#### ۲-۴. بیان قلمرو، ماهیت و محدودیت‌های قانون

بیان قلمرو و دامنه قانون مبین این واقعیت است که به دلیل حالت استثنائی  
این قانون، حدود و ثغور آن باید دقیقاً مشخص شود، تا برای مجریان ابهامی ایجاد  
نشود. به علاوه، این شرط، تأکیدی بر حفظ حقوق و آزادی‌ها می‌باشد تا به اصل  
تفکیک قوا و نظم عمومی که به دنبال آن ایجاد می‌گردد لطمه‌ای وارد نگردد.  
حوزه و قلمرویی که مقام اداری اختیار پیدا نموده است که قانونگذاری  
کند باید به طور دقیق مشخص گردد تا با حقوق اساسی شهروندان در تعارض قرار  
نگیرد و موجب بروز نارضایتی نشود.

۱۴۷

ماهیت قانون و محدودیت آن که بر جنبه معنوی قانونگذاری نظر دارد،  
باید توسط مقام مسئول اعلام گردد تا اگر با حقوق و مبنای مورد قبول کشور کنیا  
و روح قوانین آن تعارض دارد از وضع آن جلوگیری به عمل آید.  
در قانون اساسی کامرون، در خصوص زمان اجرای قانون اگرچه مدت  
معینی تعیین نشده است اما به صورت غیرمستقیم با بیان این قید که «قوانین تا  
زمانی که مورد ردّ مجلس قرار نگرفته‌اند، پا برجا هستند» به این موضوع اشاره شده  
است. اما در قانون اساسی کنیا چنین قیدی وجود ندارد، و قوانین محدود به زمان  
معینی نیستند.

این مورد، خلاء جبران‌ناپذیری محسوب می‌گردد که شایسته است  
قانونگذار اساسی کنیا به این مهم توجه وافی مبذول دارد و حیطه مدت اعتبار  
قوانین را به صورت دقیق مشخص نماید تا تفویض اختیار که استثناء بر اصل  
محسوب می‌گردد، دارای حدّ و مرز معینی گردد.

## نتیجه گیری

اصل حاکمیت قانون به عنوان یکی از اصلی‌ترین مبانی حقوق عمومی همواره از جمله مهم‌ترین موضوعات حقوق اساسی بوده است. یکی از نتایج این اصل آن است که سلسله مراتب قوانین باید در نظام حقوقی رعایت شود. اصل بر این است که صلاحیت اصلی قوه مقننه، قانونگذاری است و پارلمان باید نماینده اراده عمومی باشد. لذا، در این خصوص صلاحیت اصلی قوه مقننه قانونگذاری است و تفویض اختیار قانونگذاری به سایر مراجع خارج از مجلس باید به صورت استثنائی و با دیدگاهی مضیق مورد مذاقه و تفسیر قرار گیرد. لیکن گاه مشکلات عملی و اجرایی سبب می‌شود تا در نظام‌های حقوقی برای خروج از بن بست، تفویض قانونگذاری در موارد معدود پذیرفته شود. در نظام حقوقی ایران، طبق اصل ۸۵ قانون اساسی، تفویض اختیار دو صورت داخلی و خارجی دارد. صورت خارجی که بدیهی‌ترین نمونه تفویض اختیار است، تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت است و در خصوص تفویض داخلی، تصویب قوانین آزمایشی است که توسط کمیسیون‌های مجلس صورت می‌پذیرد. بنابراین با توجه به اصل ۸۵ و تجارب تاریخی در کشور ما به نظر می‌رسد رویکرد قانونگذار اساسی، توجه به تفویض اختیار به صورت استثناء بر اصل و بسیار مضیق و محدود بوده است. حال آنکه در نظام حقوقی کشور کامرون، تفویض اختیار قانونگذاری، از نوع خارجی است و مقام مفوض الیه، رئیس جمهور بوده و در مقایسه با نظام حقوقی ایران، که تفویض خارجی تنها یک مصداق دارد (تصویب دائمی اساسنامه‌ها) در کامرون رئیس جمهور حق دارد در زمینه‌های تخصصی مجلس داخل شود و قانونگذاری کند. بنابراین، مشاهده می‌گردد در کشور کامرون تفویض اختیار قانونگذاری به صورت موسع و با اختیارات گسترده‌ای به شخص رئیس جمهور واگذار شده است. در کشور کنیا نیز تفویض اختیار با وسعت بیشتری نسبت به دو کشور ایران و کامرون مورد پذیرش واقع شده است، چرا که در این کشور مقام مفوض الیه می‌تواند اشخاص یا نهادهای دولتی و حکومتی باشند.

تفویض اختیار قانونگذاری در حقوق اساسی ایران، کامرون و کنیا  
به موجب اصل ۸۵ قانون اساسی ایران، تفویض اختیار به دولت برای  
تصویب اساسنامه سازمانها، شرکتها، موسسات دولتی و وابسته به دولت، دائمی است  
و حتی تغییر یا اصلاح آن نیز منوط به نظر خود دولت می‌باشد، اما در خصوص  
واگذاری تصویب قوانین به کمیسیون‌های مربوطه داخلی، این قوانین به صورت  
آزمایشی بوده و تعیین مدت زمان اعتبار آن با مجلس است.  
در قانون اساسی کامرون اگرچه راجع به زمان اجرای قوانین مدت معینی  
تعیین نشده است لیکن به صورت غیر مستقیم با بیان این قید که «قوانین تا زمانی  
که مورد ردّ مجلس قرار نگرفته اند، پابرجا هستند» به مدت زمان اعتبار قوانین  
اشاره شده است. اما در قانون اساسی کنیا چنین قیدی وجود ندارد و تفویض  
قانونگذاری محدود به زمان معینی نیست.

## منابع و ماخذ

### الف- فارسی

#### اول: کتابها

- پروین، خیرالله و اصلانی، فیروز، اصول و مبانی حقوق اساسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱
- خانجانی موقر، حسن، تفویض اختیار قانونگذاری در حقوق اساسی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۷
- راسخ، محمد، بنیاد نظری اصلاح نظام قانونگذاری، تهران، دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴
- قاضی (شریعت پناهی)، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ سی و ششم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸
- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ چهل و نهم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵
- مدنی، سید جلال الدین، حقوق اساسی تطبیقی، چاپ اول، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۷۵
- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، چاپ بیستم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷

#### دوم: مقالات

- تروپه، میشل، «منطق حاکم بر توجیه صیانت از قانون اساسی»، ترجمه محمدرضا ویژه و عباسعلی کدخدایی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۶۶، ۱۳۸۳

- تفویض اختیار قانونگذاری در حقوق اساسی ایران، کامرون و کنیا
- تقی‌زاده، جواد، نجابت خواه، مرتضی، فولادوند، سجّاد، «تأمّلی درباره تفویض اختیار قانونگذاری در نظریات شورای نگهبان»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، شماره ۷، ۱۳۹۳
  - جهان بین، عبادالله، سلسله جلسات بازخوانی مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی سال ۱۳۶۸، بررسی اصل هشتاد و پنجم (موضوع تصویب اساسنامه‌های دولتی)، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳
  - ریچارد، بلامی، «شکل سیاسی قانون اساسی: تفکیک قوا، حقوق فردی و دموکراسی نماینده سالار»، ترجمه محسن حسن‌وند، مجله حقوق اساسی، شماره ۴، ۱۳۸۴
  - کدخدایی، عباسعلی و آقای طوق، مسلم، «تبیین مفهوم اصل عدم تفویض قانونگذاری در پرتوی اصل برتری قانون اساسی: نقدی بر رویه شورای نگهبان»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۳۸، ۱۳۹۱
  - کدخدایی، عباسعلی، جواهری، محمد، «تفکیک قوا: رویای تقدیس شده»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۶۳، ۱۳۹۱
  - مهرپور، حسین، «جایگاه و حوزه صلاحیت مجلس قانونگذاری در قانون اساسی»، گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰

#### سوم: قوانین

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۸
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پس از بازنگری ۱۳۶۸

#### ب- انگلیسی و فرانسوی

##### A) Books:

- Andenas, Mads, (2000), **Delegated Legislation and the Role of Committees in the EC**, Kluwer Law International, Cop.

- Cato Handbook for PolicyMakers, **The Delegation of Legislative Powers**, (2009), Cato institute, 7<sup>th</sup> Edition.
- Haibach, Georg, (1997), **Comitology after Amsterdam: A Comparative Analysis of the Delegation of Legislative Powers**, in: EPICASCOPE.
- Haibach, Georg, (2000), **Separation and Delegation of Legislative Powers: A Comparative Analysis, In: Delegated Legislation and the Role of committees in the EC**, ed. by Mads Andenas and Alexander Turk.
- Iancu, Bogdan, (2012), **Legislative Delegation, the Erosion of Normative Limits in Modern Constitutionalism**, Springer Publication.
- Locke, John, (1957), **The Second Treatise of Civil Government, in the tradition of freedom**, Edited by Milton Mayer, New York, Oceana Publications.
- Picard, Etienne, (2000), **Delegation of Legislative Power in French Public Law, In: Delegated legislation and the role of committees in the EC**, ed. by Mads Andenas and Alexander Turk.
- Silvio, Grassi, (1942), **La délégation de la compétence législative en droit suisse et comparé: précédée d'une introduction sur la notion de la loi Masnata**.

#### **B) Articles:**

- Carolan, Eoin, (2011), "Democratic Control or 'High-Sounding Hocus-Pocus'? – A Public Choice Analysis of the Non-Delegation Doctrine", **29 Dublin University Law Journal**.



- Cheka, Cosmas, (2007), "The State of the Process of Decentralisation in Cameroon", **32 Africa Development**, No. 2.
- Gary Lawson, (2002) "Delegation and Original Meaning", **88 Virginia Law Review**.
- Gary Lawson, (2005), "Discretion as Delegation: The "Proper" Understanding of the Nondelegation Doctrine", **73 George Washington Law Review**.
- Lemos, Margareth H., (2008), "The other Delegate: Judicially Administrated Statutes and the Nondelegation Doctrine", **81 Southern California Law Review**.
- Morris Kiwinda Mbondenyei & John Osogo Ambani, (2012), "The New Constitutional Law of Kenya: Principles, Government and Human Rights", **Law African Publishing**.
- Othieno Nyanjom, (2011), "Devolution in Kenya's new Constitution", **Society for International Development**.
- Szabo, Nicholas J., Origins of the Non-Delegation Doctrine, **The George Washington University Law School** (available at: <http://szabo.best.vwh.net/delegation.pdf> last visited: August 10, 2015).
- W. Forje, John, (2006), "Rethinking Decentralization and Devolution of Power within the African Context: Challenges and Opportunities", **African Association for Public Administration and Management**.
- Hoogh, André J.J.de, (2002), Attribution or Delegation of (Legislative) Power by the Security Council?: the Case of the United Nations Transitional Administration in East Timor (UNTAET), In: **International Peacekeeping**, vol. 7.

- Huang, Cheng-Yi I Elgar, (2010), Judicial Deference to Legislative Delegation and Administrative Discretion in New Democracies: Recent Evidence from Poland, Taiwan, and South Africa, In: **Comparative Administrative Law**, ed. by Susan Rose-Ackerman and Peter L. Lindseth.

### **C) Regulations:**

1. Law No. 96-06 of 18 January 1996 to Amend the Constitution of 2 June 1972.

Constitution of Kenya, 2010

## **Delegation of Legislation Power in Iran, Cameroon and Kenya Constitutional Law (Comparative Study)**

**Naseali MANSOURIAN**

**Mahya KAMRANI**

### **Abstract**

The main and most important function of the legislature branch, is legislate for the legal system. In spite of general jurisdiction for legislative branches in most countries, in some cases, this principle has been associated with exceptions. In most legal systems, faced with the concept of delegated legislation under which approval of acts be transferred to an authority other than the legislature branch in some cases. Hereof, in the Iranian legal system accepted the two way: legislation to test and permanent approve of government organizations, companies, agencies or government-related institutions of statute. However, in two important political legal system in Africa (Cameroon and Kenya) legislative delegation have broader dimensions. In Cameroon, delegation of official external and delegated authority is the president. in comparison with the Iranian legal system, that external delegation have one instance (approve of permanent Statute), in Cameroon, The president has this right to be entered in the special field of parliament and legislate. In Kenya delegation is accepted with more breadth and delegated authority can be individuals or public institutions. in this country, delegation of legislation has been accepted with a relaxed interpretation.

**Key words:** Legislation, Delegation of Power, Separation of Powers, Legislation to Test, Permanent Approve of Government Organizations, Companies, Agencies of Statute